

بررسی رابطه نگرش های مذهبی و مؤلفه های آن با اضطراب وجودی در دانش آموزان دختر

مهناز مهرابی زاده هنرمند^۱

مینا شفیعی زاده^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه نگرش های مذهبی و مؤلفه های آن با اضطراب وجودی در دانش آموزان دختر سال دوم متوسطه شهرستان رامهرمز پرداخت. جامعه آماری متشکل از ۲۵۰ دانش آموزان بود که به شیوه تصادفی خوشه ای از بین دانش آموزان دختر سال دوم متوسطه دبیرستانهای دخترانه شهر رامهرمز انتخاب شدند، ابزار پژوهش شامل پرسشنامه های نگرش سنج مذهبی سراج زاده، اضطراب وجودی گود بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها، علاوه بر روش های آمار توصیفی از همبستگی ساده و رگرسیون چندگانه به صورت ورود مکرر و گام به گام استفاده گردید. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داد بین نگرش های مذهبی، بعد عاطفی و بعد مناسکی نگرش های مذهبی و اضطراب وجودی رابطه منفی معنی دار وجود دارد. اما بین بعد اعتقادی و پیامدی نگرش های مذهبی و اضطراب وجودی رابطه معنی دار مشاهده نشد. به علاوه نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بعد عاطفی نگرش های مذهبی ۹ درصد اضطراب وجودی را تبیین می کند و ابعاد دیگر نقشی ندارند.

واژه های کلیدی: نگرش های مذهبی، اضطراب وجودی

۱. استاد گروه روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ m_mehrabizadeh@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد رشته مشاوره

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد خاتم مینا شفیعی زاده در دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات خوزستان می باشد

مقدمه

دوران نوجوانی از مهمترین و در عین حال آشفته‌ترین و پیچیده‌ترین مراحل حیات است. مسائل و دشواری‌های ناشی از بلوغ و جوانی و زیر و بم‌های حیات این نسل به گونه‌ای است که می‌توان نوجوانی را دوره بحران و فشار عنوان کرد (خواجه رشیدان، ۱۳۷۵). به ندرت اتفاق می‌افتد که در خلال دوره نوجوانی بحرانهای اضطراب مشاهده نگردد. این بحرانها گاهی به صورت ناگهانی و زمانی به صورت تدریجی ظاهر می‌شود، گاهی فراگیر است و زمانی به احساس مبهم و پراکنده محدود می‌گردد؛ گاهی هفته‌ها طول می‌کشد و زمانی برعکس فقط در خلال چند ساعت پایان می‌پذیرد. اما صرف نظر از چگونگی بروز، شدت و مدت آن، یک احساس بنیادی است که کمتر نوجوانی با آن بیگانه است (خدایاری فرد، غباری بناب، شکوهی یکتا، ۱۳۸۰).

اضطراب از دیرباز به عنوان عکس‌العمل طبیعی در مقابل تنش قلمداد می‌شود، به طوری که بررسی و درمان آن چندان مورد توجه نبوده است. تحقیقات انجام شده در این زمینه حاکی از آن است که تنش عامل عمده‌ای در بروز مشکلات برای دانش‌آموزان است، به عبارت دیگر تنش‌های موجود در عصر تکنولوژی و فزونی تغییرات همه‌جانبه و بی‌توجهی نسبت به ارزش‌های حاکم بر خانواده، انسان امروزی را به سمت اضطراب می‌کشاند (دادجو، ۱۳۷۶). امروزه کاملاً روشن است که با توجه به پیشرفت‌های علمی و صنعتی و دستاوردهای شگفت‌انگیزی که در همه علوم به وجود آمده، انسان نتوانسته مشکلات روانی، مانند اضطراب، افسردگی، فشارهای روانی، روان‌پریشی و مانند اینها را در خود درمان کند (شاکری نیا، ۱۳۸۹).

مذهب جزء لاینفک زندگی بشری در تمام اعصار بوده است. به گفته فرانکل (۱۹۶۳)، بنیان‌گذار مکتب معنادرمانی، احساس مذهبی عمیق و واقعی در اعماق ضمیر ناهوشیار هر انسانی وجود دارد. معنا در زندگی، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زا، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی و احساس تعلق داشتن به منبعی والا، همه از جمله روش‌هایی هستند که افراد مذهبی با داشتن آنها می‌توانند در مواجهه با حوادث آسیب‌رسان، فشار کمتری را متحمل شوند (یانگ و ماو، ۲۰۰۷). انسان دائماً با مسائل اخلاقی و اجتماعی برخورد می‌نماید و ناچار باید عکس‌العمل خاصی در برابر اینگونه مسائل نشان بدهد. آن چیزی که لازم است مورد توجه واقع شود این است که تنها ایمان مذهبی قادر است که انسان را به صورت یک "مؤمن" واقعی درآورد، هم خودخواهی و خودپرستی را تحت الشعاع ایمان و عقیده و مسلک قرار دهد و هم نوعی "تعب" و "تسلیم" در فرد ایجاد کند (به نقل از شریفی زاده، ۱۳۹۱). مذهب به عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات، باورها و نیایدها و نیز ارزش‌های اختصاصی و تعمیم‌یافته، از موثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به شمار می‌آید که قادر است به زندگی در لحظه لحظه‌های عمر معنا دهد و در شرایطی خاص نیز با فراهم‌سازی تکیه‌گاه‌هایی تبیینی، فرد را از تعلیق و بی

1. Frankl

2. Yong & Mao

معنایی نجات دهد (بهرامی، ۱۳۷۸).

سایر^۱ (۲۰۰۴، به نقل از مرعشی، ۱۳۹۰) رشد معنوی را عاملی برای درک بهتر و بقا در زندگی مدرن، پیچیده و به سرعت متغیر امروز می‌داند، که خود محصول پیشرفت تکنولوژیک، جهانی شدن و دگرگونی دیدگاه‌هاست. بنابراین ماشینی شدن روزافزون زندگی بشر خود دلیلی کافی برای ضرورت توجه به معنویت و سازه‌های مرتبط با معنویت است. در روان‌شناسی مذهبی، "معنویت"^۲ را علاوه بر اعتقاد به وجود قدرت برتر و ماورائی شامل جستجوی "معنا و مفهوم زندگی"^۳ خود آگاهی و خودشناختی و همچنین احساس یگانگی با دیگران دانسته‌اند (کونیگ، مک کولوخ و لارسون، ۲۰۰۱^۴؛ هوستون، ۱۹۸۶^۵).

اریک فروم^۶ (۱۹۵۰) می‌گوید: "هیچکس نیست که نسبت به دینی نیازمند نباشد و حدودی برای جهت‌یابی و موضوعی برای دلبستگی خویش نخواهد، او خود ممکن است از مجموعه معتقداتش به عنوان دین، ممتاز از عقاید غیر دینی آگاه نباشد و ممکن است بر عکس فکر کند که هیچ دینی ندارد و معنای دلبستگی خود را با غایاتی ظاهراً غیر دینی مانند قدرت و پول یا کامیابی را فقط نشانه‌ی علاقه به امور عملی و موافق مصلحت بداند. مسأله بر سر این نیست که انسان دین دارد یا ندارد، بلکه این است که کدام "دین" را دارد. مقصود این روانشناس این است که، انسان بدون تقدیس و بدون پرستش نمی‌تواند زندگی کند. فرضاً خدای یگانه را نشناسد و پرستد، چیزی دیگر را به عنوان حقیقت برتر خواهد ساخت و او را موضوع ایمان و پرستش خود قرار خواهد داد (مطهری، ۱۳۵۹).

دین‌شناسی، اگر چه در تاریخ بشر پیشینه‌ای برابر با خود دین دارد، زیرا انسان تا چیزی را نشناسد، آن را نپذیرفته، از آن تبعیت نمی‌کند. اما بررسی ضابطه مند دین و شناخت آن با تکیه بر اصول و مبانی تحقیق، در جهان جدید و عصر کنونی، اهمیت فوق‌العاده دارد و برای همگان ضروری است (جیگر^۷، ۲۰۰۶).

اضطراب وجودی^۸ نوع خاصی از اضطراب است که در روان‌شناسی وجودگرا مطرح شده و از دیرباز مورد توجه بوده است. رویکرد وجودگرائی در ساختاری پویایی شبیه به روان‌تحلیل‌گری خاستگاه را مسائل هستی‌شناسی، نیازهای پاسداشت وجود و نگرانی‌های نهائی تشکیل‌دهنده روان‌پویه‌های وجودی چون مرگ، تنهایی و بی‌معنایی می‌داند که اضطراب را فرا می‌خوانند، هم از نظر روان‌تحلیل‌گری و هم از نظر روان‌درمانی وجودی اضطراب باعث شکل

1. Siar
2. Spirituality
3. the meaning of life
4. Koenig, McCullough, & Larson
5. Houston
6. Fromm
7. Jaeger
8. Existential anxiety

گیری آسیب‌های روانی می‌شود (محمدپور یزدی، ۱۳۸۵). پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که همه‌ی انسان‌ها ترس از اجتناب ناپذیر بودن مرگ را تجربه کرده‌اند. نیاتانگا و دووخت^۱ (۲۰۰۶)، به نقل از کریری^۲ (۲۰۱۱) اضطراب مرگ را به صورت احساس ناخوشایندی که منشاء وجودی دارد و هنگامی که فرد به مرگ خود یا دیگران می‌اندیشد بروز می‌کند تعریف کرده‌اند. همان‌گونه که کریری (۲۰۱۱) اشاره کرده است «اضطراب مرگ» و «ترس از مرگ» به صورت معادل به کار رفته و هر دو با پرسشنامه^۳ (CL-FODS) سنجیده می‌شوند.

همان‌گونه که کلینبل^۴ (۱۹۶۵) و پیش از او تیلیک^۵ (۱۹۵۲) گفته است سه نوع تهدید مختلف باعث بروز اضطراب وجودی می‌شود: مرگ و نیستی، تهی شدن از معنی (پوچی) و بالاخره گناه و تقصیر. اضطراب وجودی همراه با حس پوچی تنهایی و ناامیدی بوده و از طرز فکر اگزستانسیالیسم (اصالت وجود) که انسان را در جهان موجودی تنها می‌انگارد نشأت می‌گیرد. اضطراب وجودی خود به عنوان ریشه بسیاری از اضطرابها و فوئیهای دیگر شناخته شده است (پیزنسکی، گرینبرگ و سولومون^۶، ۱۹۹۹، به نقل از مرعشی، ۱۳۹۰) که چنانچه کنترل شود بایستی سبب پیشگیری یا درمان بسیاری از آسیبهای روانی شایع گردد. به گفته برمن، ویمز و استیکل^۷ (۲۰۰۶) لاجرم بایستی در همان مراحل از رشد که هویت فرد شکل می‌گیرد (دوره نوجوانی) دلواپسی‌های وجودی نیز پدید بیایند. آنها به تئوری‌های رشد مانند تئوری اریکسون^۸ (۱۹۶۳ و ۱۹۶۸) اشاره می‌کنند که دوره نوجوانی را دوره پیدایش هدف و مفهوم در زندگی می‌داند. اگر این موضوع را بپذیریم، انجام پژوهش در مورد اضطراب وجودی منطقاً بایستی به بعد از شروع دوره نوجوانی موقوف شود. برمن و همکاران (۲۰۰۶) همچنین اشاره می‌کنند که در بررسی نمونه‌های آمریکائی، انگلیسی، استرالیائی، چینی، نیجریائی و کنیائی، اضطراب مرگ در زمره شایع‌ترین انواع نگرانی در نوجوانان بوده است. آنها اعتقاد دارند که مطابق مدل‌های شناختی اختلالات هیجانی، اضطراب وجودی ممکن است با علائم اختلال افسردگی و اضطراب همراه با افکار منفی و ناسازگارانه در مورد خود، آینده و جهان هستی توأم باشد. این افکار در مورد خود همان احساس گناه و محکومیت، در مورد آینده همان افکار مرگ و در مورد جهان هستی همان احساس پوچی و بی‌معنایی است. پژوهش برمن و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که اضطراب وجودی در نوجوانان شایع بوده و همچنین با بحران هویت نوجوانی ارتباط دارد که با علائم اختلالات روانی مانند اختلال افسردگی و اضطراب

1. Nyatanga & De vocht
2. Careary
3. Collett-Lester Fear of Death Scale
4. Klinebell
5. Tillich
6. Pyszcznski, Greenberg, & Solomon
7. Berman, Weems & Stickle
8. Erikson

همراهی دارد. مرعشی (۱۳۹۰) نشان داد که آموزش هوش معنوی موجب بهبود در همه مولفه‌های بهزیستی فاعلی، افزایش هوش معنوی و کاهش اضطراب وجودی می‌شود. غباری بناب، حدادی کوهسار و سروش (۱۳۹۰) نیز چنین یافتند که هر چه دلبستگی ایمن به خدا بیشتر باشد اضطراب وجودی افراد کمتر است. نورعلی زاده میانجی و جانبرزگی (۱۳۸۹) نشان دادند که تحصیلات سهم زیادی در کاهش اضطراب، به ویژه اضطراب وجودی دارد. معینی (۱۳۸۹) در یک بررسی نتیجه گرفت که آموزش هوش معنوی به کاهش اضطراب وجودی می‌انجامد. در این مطالعه چنین بدست آمد که افراد مذهبی کمتر از اضطراب وجودی رنج می‌برند و در مقابل بزهکاران بیش تر به این نوع اضطراب مبتلایند. آلوارادو، تمپلر، برسل و دوپسن^۱ (۲۰۰۵) در رابطه با اضطراب و افسردگی ناشی از انتظار مرگ در افراد مسن نتیجه گرفتند که هر چه نگرش مذهبی قوی تر باشد. میزان اضطراب و افسردگی ناشی از انتظار مرگ کاهش پیدا خواهد کرد. این پژوهشگران هم چنین دریافتند که اثر نگرش مذهبی در کاستن اضطراب و افسردگی به مراتب از انجام اعمال مذهبی بیشتر است. تحقیق کروز^۲ (۲۰۰۵) روی کهنسالان هم نشان داده است سالمندانی که کنترل با وساطت خدا در آنان بیشتر بوده است همچنان در کارهای مختلف موفق بودند، از زندگی رضایت بیشتری داشتند، خوشبین تر بودند، بیشتر احساس ارزشمندی می‌کردند و اضطراب مرگ در آنان کمتر بود.

برخی از پژوهش‌ها ارتباط معکوس اضطراب وجودی را با پایداری‌های دینی درونی نشان می‌دهند. لازم به توضیح است که آلپورت و راس (۱۹۶۷) تدین را به دو نوع تدین بیرونی و درونی تقسیم کردند که اولی به پایداری‌های دینی با انگیزه‌های (مانند اجبار، موقعیت اجتماعی، سود مالی و ...) و دومی به پایداری‌های دینی با انگیزه‌های درونی (در اثر درک اهمیت دین و معنویت) اشاره دارد. پژوهش‌ها بین تدین بیرونی با اضطراب مرگ همبستگی مثبت (انس و باند،^۳ ۲۰۰۷، به نقل از هنری^۴، ۲۰۱۰) و بین تدین درونی و اضطراب مرگ همبستگی منفی پیدا کرده‌اند (راف^۵، باتکوینسین، و کلماک^۶، ۲۰۰۲، به نقل از هنری، ۲۰۱۰). باتسون، شونراد و ونتیس^۶ (۱۹۹۳)، به نقل از کسیر^۷ (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که اعتقادات دینی درونی با اضطراب وجودی کمتر و بهزیستی وجودی بیش تری همراه هستند. بررسی‌های (جوناس و فیشر^۸، به نقل از کسیر، ۲۰۰۹) هم نشان می‌دهد افرادی که تدین درونی دارند با بروز نشانه‌های مرگ کمتر دچار افکار مرگ می‌شوند. همچنین پژوهش استرجن و هاملی^۹

1. Alvarado, Templer, Bresle & Dobson

2. Krause

3. Ens & Bond

4. Henrie

5. Roff, Butkeviciene & Klemmack

6. Botson, Schoenrade & Vehtis

7. Kesebir

8. Jonas & Fisher

9. Sturgeon & Hamby

(به نقل از اشریو - نیجر و ادلشتاین^۱، ۲۰۰۴) نشان داد که جهت گیری مذهبی درونی بر کاهش اضطراب وجودی و رگه اضطرابی^۲ تاثیر دارد.

تحقیقات دیگری دال بر آن است که معنویت و بهزیستی معنوی باید رابطه معکوسی با اضطراب وجودی داشته باشد. مثلاً یافته های هولزر^۳ (۲۰۱۱) نشان می دهد که بین بهزیستی معنوی و دینی از یک سو و اضطراب (شامل همه انواع آن) از سوی دیگر رابطه معکوس معنی داری وجود دارد. پژوهش های دیگری در خصوص اضطراب (شامل همه انواع آن) بیانگر رابطه منفی معنی دار بین بهزیستی معنوی و دینی و علائم اضطراب است (هیل و پارگانت^۴، ۲۰۰۳، اسپری و شفرانسکی^۵، ۲۰۰۵، براون^۶، ۲۰۰۸، و پلانت^۷، ۲۰۰۹، به نقل از هولزر، ۲۰۱۱).

اضطراب وجودی در جوانترها در حال گسترش است (برمن و همکاران، ۲۰۰۶)، به علاوه هر بیماری مهمی که تهدید به مرگ را افزایش دهد منجر به اضطراب وجودی می شود. برخی از پژوهش ها نیز دال بر وجود تفاوت های جنسیتی از نظر میزان اضطراب وجودی هستند. انس و باند^۸ (۲۰۰۷) در میان دختران نوجوان اضطراب وجودی بیشتری نسبت به پسران یافتند. تا آنجا که پژوهشگران به بررسی پرداخته اند، پژوهشی خصوص رابطه نگرشهای مذهبی و اضطراب وجودی در بین دانش آموز دختر صورت نگرفته است. بنابراین

با توجه به نکات ذکر شده، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه نگرشهای مذهبی و مؤلفه های آن با اضطراب وجودی در دانش آموزان دختر سال دوم مقطع متوسطه شهر رامهرمز است. در راستای تحقق این هدف سوالهای پژوهش حاضر عبارتند از:

- ۱- آیا بین نگرش های مذهبی و اضطراب وجودی در دانش آموزان دختر رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا ابعاد نگرش های مذهبی پیش بین اضطراب وجودی در دانش آموزان دختر است؟

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری متشکل از تمامی دانش آموزان سال دوم دبیرستان شهر رامهرمز است که تعداد ۲۵۰ آزمودنی به شیوه تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. از بین دوازده مدرسه شهر رامهرمز پنج مدرسه به طور تصادفی انتخاب شد و به کلیه دانش آموزان دختر سال دوم این دبیرستانها پرسشنامه داده شد.

1. Shreve-Neiger & Edelstein
2. Trait Anxiety
3. Holzer
4. Hill & Pargament
5. Sperry & Shfranske
6. Brown
7. Plante
8. Ense & Band

ابزار اندازه گیری

در این پژوهش به منظور اندازه گیری متغیرهای مورد نظر از ابزارهای زیر استفاده شد.

۱- نگرش سنج مذهبی سراج زاده

۲- مقیاس اضطراب وجودی گود

نگرش سنج مسلمانان

این مقیاس یک ابزار خود گزارشی برای سنجش دینداری فرد است و ۲۶ سؤال دارد که نمره گذاری هر سؤال بر روی یک پیوستار از ۱ (برای خیلی کم تا ۵) برای خیلی زیاد می باشد. این مقیاس توسط سراج زاده (۱۳۷۷) بر اساس مدل گلاک و استارک (۱۹۶۵) تهیه و تدوین گردیده است، این مقیاس شامل چهار خرده مقیاس: بعد اعتقادی یا باورهای مذهبی (۷ سوال اول)، بعد تجربی یا عواطف دینی (سوالات ۸ تا ۱۳)، بعد پیامدی یا آثار دینی (سوالات ۱۴ تا ۱۹)، و بعد مناسکی یا اعمال دینی (۷ سوال آخر)، است. سراج زاده (۱۳۷۷) به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ و روش باز آمایی با فاصله دو هفته بر روی نمونه ای از دانش آموزان استفاده کرد. ضریب پایایی کلی آزمون ۰/۹۵ به دست آمده این ضرایب نمایانگر پایایی خوب آزمون می باشد. شریفی (۱۳۸۲) در پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ کل نگرشهای مذهبی را ۰/۷۸ و ضریب پایایی آن به روش تصنیف را ۰/۷۵ گزارش کرد. ضریب پایایی آلفای کرونباخ کل نگرشهای مذهبی در پژوهش حاضر

۰/۷۱ و ضریب پایایی آن به روش تصنیف ۰/۵۱ است. برای بررسی روایی این پرسشنامه، سراج زاده (۱۳۷۷) از گروهی از دانش آموزان تهرانی خواست تا التزام دینی خود را بر روی یک طیف خطی ده قسمتی مشخص کنند. رابطه بین نمره های دینداری آنان در مقیاس گلاک و استارک و نمره ارزیابی خود آنان از دینداریشان از طریق ضریب پیرسون ۰/۶۱ گزارش شد، این میزان به عنوان روایی بیرونی در نظر گرفته شد.

مقیاس اضطراب وجودی گود

برای سنجش اضطراب وجودی از مقیاس اضطراب وجودی ۳۲ ماده ای گود و گود (۱۹۷۴) استفاده شد. گنجی (۱۳۸۸) آن را ترجمه و اعتباریابی نمود. نمره گذاری این پرسشنامه در پژوهش حاضر به صورت صحیح (۲) و غلط (۱) می باشد. دامنه نمرات افراد از ۳۲ تا ۶۴ می باشد که نمره بالاتر نشان دهنده اضطراب وجودی بالاتر است. سازندگان این مقیاس پایایی آن را ۰/۸۹ گزارش نمودند. گنجی (۱۳۸۸) پایایی این مقیاس را حدود ۰/۷۰ گزارش کرد. نور علی زاده و همکاران (۱۳۸۹) هم پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ محاسبه کردند. مرعشی (۱۳۹۰) ضریب پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۱

گزارش کرد. ضرایب پایایی آلفای کرونباخ اضطراب وجودی در پژوهش حاضر ۰/۵۵ و ضریب پایایی آن به روش تنصیف ۰/۵۲ است. سازندگان این مقیاس گزارش کرده اند که روائی آن از طریق همبسته کردن مواد آن با پرسشنامه اضطراب ساراسون و گاردنر^۱ (۱۹۶۲) و انگیزه موفقیت جکسون^۲ (۱۹۶۵) به طور متوسط ۰/۴۹ بدست آمد و چنین نتیجه گیری کردند که روائی آزمون اولیه به حدی است که می تواند به عنوان آزمون نهایی در نظر گرفته شود (به نقل از مرعشی ۱۳۹۰). هالت^۳ (۱۹۹۴) در پژوهش خود نشان داد که این پرسشنامه با آزمونهای هدفمندی در زندگی، اهداف معرفتی و افسردگی روائی مطلوبی دارد. همبستگی کل مقیاس اضطراب وجودی با ترکیب نمره این سه پرسشنامه ۰/۶۶ بود که نشان از قدرت روائی بالای این آزمون دارد. گنجی (۱۳۸۸) روائی آزمون را ۰/۸۰ گزارش داده است. مرعشی (۱۳۹۰) روائی این پرسشنامه را با استفاده از همبسته کردن نمره اضطراب وجودی با خرده مقیاس هدف و جهت گیری در زندگی ۰/۴۴ بدست آورد که در سطح $p=0/001$ معنی دار بود.

یافته های پژوهش

میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره کسب شده مربوط به متغیرهای نگرش های مذهبی و ابعاد آن (بعد اعتقادی دین، بعد عاطفی دین، بعد پیامدی دین و بعد مناسکی دین) و اضطراب وجودی در جدول ۱ نشان داده شده اند.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره های دانش آموزان در متغیرهای پژوهش

متغیر	شاخص	میانگین	انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره	تعداد
نگرش های مذهبی	۱۰/۱۰۳	۱۰/۶۳	۶۰	۱۲۹	۲۵۰	
بعد اعتقادی	۳۲/۲۴	۳/۲۴	۱۳	۳۵	۲۵۰	
بعد عاطفی	۲۵/۸۱	۳/۳۰	۱۴	۳۰	۲۵۰	
بعد پیامدی	۲۱/۹۲	۳/۳۶	۱۰	۳۰	۲۵۰	
بعد مناسکی	۲۱/۰۵	۵/۲۰	۷	۳۵	۲۵۰	
اضطراب وجودی	۴۵/۲۹	۵/۲۷	۳۶	۶۰	۲۵۰	

همان گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود، میانگین و انحراف معیار متغیر نگرش های مذهبی ۱۰/۱۰۳ و ۱۰/۶۳، بعد اعتقادی ۳۲/۲۴ و ۳/۲۴، بعد عاطفی ۲۵/۸۱ و ۳/۳۰، بعد پیامدی ۲۱/۹۲ و ۳/۳۶ و بعد مناسکی ۲۱/۰۵ و ۵/۲۰ است. میانگین و انحراف معیار متغیر اضطراب وجودی ۴۵/۲۹ و ۵/۲۷ است.

1. Sarason & Gardener

2. Jackson

3. Hullett

جدول ۲. ضرایب همبستگی نگرش های مذهبی و ابعاد آن با اضطراب وجودی

متغیر ملاک (اضطراب وجودی)			متغیر پیش بین
p	r	n	
۰/۰۰۱	-۰/۲۴	۲۵۰	نگرش های مذهبی
۰/۱۰	-۰/۱۱۶	۲۵۰	بعد اعتقادی
۰/۰۰۱	-۰/۳۰۴	۲۵۰	بعد عاطفی
۰/۰۶	-۰/۱۳	۲۵۰	بعد پیامدی
۰/۰۴	-۰/۱۴	۲۵۰	بعد مناسکی

مندرجات جدول شماره ۲ نشان می دهد که بین نگرش مذهبی و اضطراب وجودی رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p < 0/001, r = -0/24$). بین بعد عاطفی ($p = 0/001, r = -0/304$) و مناسکی ($p = 0/04, r = -0/14$) دین رابطه منفی معنی دار وجود دارد. اما بین بعد اعتقادی ($p = 0/10, r = -0/116$) و پیامدی دین ($p = 0/06, r = -0/13$) و اضطراب وجودی رابطه منفی معنی دار مشاهده نشد.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه ابعاد نگرش های مذهبی با اضطراب وجودی (روش سلسله مراتبی)

مقدار ثابت (a)	ضرایب رگرسیون (β) و (B)				نسبت F احتمال p	ضریب تعیین RS	همبستگی چندگانه MR	شاخص آماری متغیرهای پیش بین
	۴	۳	۲	۱				
۵۷/۸۲	-	-	-	$B = 0/48$ $\beta = 0/304$ $t = 4/48$ $p < 0/001$	$F = 20/33$ $p < 0/001$	۰/۰۹۲	۰/۳۰۴	۱- بعد عاطفی
۵۷/۹۰	-	-	$B = 0/02$ $\beta = 0/02$ $t = 0/26$ $p = 0/78$	$B = 0/47$ $\beta = 0/29$ $t = 3/96$ $p < 0/001$	$F = 10/007$ $p < 0/001$	۰/۰۹۳	۰/۳۰۴	۲- بعد مناسکی
۵۷/۳۴	-	$B = 0/07$ $\beta = 0/04$ $t = 0/58$ $p = 0/55$	$B = 0/02$ $\beta = 0/02$ $t = 0/35$ $p = 0/72$	$B = 0/50$ $\beta = 0/31$ $t = 3/79$ $p < 0/001$	$F = 6/765$ $p < 0/001$	۰/۰۹۴	۰/۳۰۷	۳- بعد پیامدی
۵۶/۹۵	$B = 0/01$ $\beta = 0/01$ $t = 0/14$ $p = 0/88$	$B = 0/07$ $\beta = 0/04$ $t = 0/57$ $p = 0/56$	$B = 0/02$ $\beta = 0/02$ $t = 0/32$ $p = 0/74$	$B = 0/51$ $\beta = 0/32$ $t = 3/52$ $p < 0/001$	$F = 5/053$ $p < 0/001$	۰/۰۹۴	۰/۳۰۷	۴- بعد اعتقادی

نتایج جدول شماره ۳ که نشان می دهد که رابطه بین ابعاد نگرش مذهبی و اضطراب وجودی

معنی داری است ($F=5/053, p<0/001$). ضریب تعیین برابر $0/94$ می باشد. بنابراین ضریب تعیین نشان می دهد حدود ۹ درصد واریانس اضطراب وجودی توسط متغیرهای پیشین بعد عاطفی، بعد مناسکی، بعد پیامدی و بعد اعتقادی قابل تبیین است.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مربوط به رابطه ابعاد نگرش های مذهبی با اضطراب وجودی (روش گام به گام)

شاخص آماری	همبستگی چندگانه MR	ضریب تعیین RS	نسبت F	ضرایب رگرسیون (β) و (B)	مقدار ثابت (a)
۱- بعد عاطفی	۰/۳۰۴	۰/۰۹	$F=20/03$ $p<0/001$	$B=0/48$ $\beta=0/304$ $t=4/47$ $p=0/0001$	۵۷/۸۲

با مقایسه مقدار ضریب تعیین به دست آمده با استفاده از روش رگرسیون سلسله مراتبی (جدول شماره ۳) برابر $RS=0/09$ و روش گام به گام (جدول شماره ۴) برابر $RS=0/09$ میتوان دریافت که یک متغیر پیش بین بعد عاطفی، قویترین متغیر پیشین برای تبیین واریانس اضطراب وجودی است.

بحث و نتیجه گیری

در روان شناسی مذهبی، به لحاظ اهمیت دین در تمام شوون زندگی، به بررسی عوامل روان شناختی دین پرداخته می شود. آلپورت (۱۹۵۰) معتقد است که شخصیت بالغ، نیازمند فلسفه ی وحدت بخش درباره حیات و یک چارچوب داوری است که می تواند عناصر مختلف تجربه ی آدمی را به نوعی منظم کند و هدفی پیش روی او قرار دهد و تنها دین است که کل عالم وجود را در بر می گیرد. به نظر وی هر چند پیروی مداوم از هر نظام ارزشی می تواند به فرایند یکپارچگی و انسجام کمک کند اما "انگیزه ی دینی"، همه چیز را به یکباره در خود جای داده، به رنج و شادی و مرگ و زندگی، فضایی برابر می بخشد و تلاش مستمری را که موجب انسجام شخصیت است، به بهترین شکل حفظ می کند.

نتایج نشان داد بین نگرش های مذهبی و اضطراب وجودی در دانش آموزان دختر رابطه منفی وجود دارد. شواهد پژوهشی رابطه سازه های مذهبی و معنوی را با اضطراب وجودی تایید کرده اند. نتایج پژوهش حاضر با پژوهشهای مرعشی (۱۳۹۰)، غباری بناب، حدادی کوهسار و سروش (۱۳۹۰)، نورعلی زاده میانجی و جانبزرگی (۱۳۸۹) و کسبیر (۲۰۰۹) همخوانی دارد. مرعشی (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان داد که آموزش هوش معنوی موجب بهبود در همه مولفه های بهزیستی فاعلی، افزایش هوش معنوی و کاهش اضطراب وجودی می شود. غباری بناب، حدادی کوهسار و سروش (۱۳۹۰) نیز چنین یافتند که هر چه دلبستگی ایمن به خدا بیشتر باشد اضطراب وجودی افراد کمتر است. نورعلی زاده میانجی و جانبزرگی (۱۳۸۹) نشان دادند که تحصیلات سهم زیادی در کاهش اضطراب، به ویژه اضطراب وجودی دارد. معینی (۱۳۸۹) در

یک بررسی نتیجه گرفت که آموزش هوش معنوی به کاهش اضطراب وجودی می‌انجامد و کسبیر (۲۰۰۹) با استفاده از روش‌های توصیفی و تجربی نشان داد که درک تقدس و روحانیت (که خود شامل تعالی یعنی درک حقیقت بزرگتر است و والا در ورای ظاهر، وغایت‌گرایی یعنی درک ارزش و مقصدی نهایی می‌باشد) به افراد کمک می‌کند تا اضطراب وجودی خود را مهار کنند و از آثار مخرب آن در امان باشند. پژوهش معینی (۱۳۸۹) نشان داد کسانی که اعتقاد به یک وجود مقدس و یک حقیقت برتر در ورای ظواهر مادی دارند، هنگامی که به یاد مرگ می‌افتند، در مقایسه با گروه گواه، کمتر دچار اضطراب وجودی می‌شوند. در برخی پژوهش‌ها هم بین اعتقاد به خدا و اضطراب مرگ همبستگی منفی یافت شده است (نایدو و سینه‌ها، به نقل هنری، ۲۰۱۰). همچنین در بسیاری از پژوهش‌ها بین اعتقاد به زندگی پس از مرگ و اضطراب مرگ همبستگی منفی، و تردید نسبت به زندگی پس از مرگ با اضطراب وجودی همبستگی مثبت یافت شده است (تمیلر و راف، ۱۹۷۵، اوشمن، ۱۹۸۴، تورسون، ۱۹۹۱، هاردینگ و همکاران، ۲۰۰۵، به نقل از هنری، ۲۰۱۰). بالاخره همان‌گونه که اشاره شد، به اعتقاد کلینبل (۱۹۷۲)، اگر به تهدیدهای پدیدآورنده اضطراب وجودی (نگرانی از نیستی، نگرانی از پوچی و نگرانی از گناه) توجه کنیم درمی‌یابیم که تنها چیزی که قادر است این اضطراب را در مسیر صحیح مهار کند عبارت است از برخورداری از یک فلسفه معنی‌دار برای زندگی، تلاشی مخلصانه در راه اهداف این فلسفه، اعتقاد به یک حیات بشری والاتر از مرزهای مادی است، برخورداری از حس اعتماد و توکل عمیق به خدا و اتحاد با هستی می‌باشد. همان‌گونه که بیان شد همه این عناصر در یک نگرش و اعتقاد مذهبی به دینی، چون اسلام که به همه ی جنبه‌های مادی و معنوی زندگی بشر توجه کرده است، وجود دارد.

از طرف دیگر نتایج پژوهش‌های حاضر با یافته‌های کریری (۲۰۱۱) و هاروود (۲۰۰۹) ناهمسو است. کریری (۲۰۱۱) بین معنویت و ترس از مرگ در بیماران مبتلا به سرطان پستان ارتباط معنی‌داری پیدا نکرد. همچنین هاروود (۲۰۰۹) نیز بین اضطراب مرگ در کارگردانان مراسم تشییع جنازه، تدین درونی و معنویت ارتباط معنی‌داری پیدا نکرد. با توجه به نتایج اکثر پژوهش‌های پیشین و نتایج پژوهش‌های حاضر شاید معنی‌دار نشدن نتایج حاصل، از پژوهش‌های کریری (۲۰۱۱) و هاروود (۲۰۰۹) ناشی از اشکالاتی همچون روش پژوهش و یا بررسی اضطراب مرگ در جمعیت خاص باشد. به هر حال حجم بالای مطالعات همسو، وجود فقط دو مطالعه ناهمسو را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین بعد عاطفی دین و اضطراب وجودی و همچنین بین بعد مناسکی دین و اضطراب وجودی در دانش‌آموزان دختر رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. در خصوص رابطه عاطفی دین و اضطراب وجودی شاید بتوان بیان داشت که این بعد ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی هم چون خدا یا واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی است. برای بررسی این بعد سوالاتی احساسی و عاطفی درباره نزدیک شدن به خدا، نداشتن ترس از مرگ به واسطه ایمان به خدا، احساس نزدیک شدن به

خدا، احساس پوچی داشتن بدون اعتقادات مذهبی، احساس معنویت داشتن در حرم امامان و اولیاء، احساس ترس از خدا و احساس توبه را مطرح می‌کند. با توجه به بالا بودن توجه به مسائل عاطفی در سن نوجوانی و به خصوص در میان دختران به نظر می‌رسد دور از انتظار نباشد که بیشترین رابطه منفی بین این بعد و اضطراب وجودی در دانش‌آموزان دختر وجود داشته باشد. به علاوه بین بعد مناسکی دین و اضطراب وجودی در دانش‌آموزان دختر رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. در این بعد سوالاتی درباره میزان ادای نماز به جماعت، روزه گرفتن، تلاوت قرآن، ارتباط با مسجد و موسسات اسلامی مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد سوالات این بعد بیشتر جنبه ظاهری دین را نشان می‌دهد و اولین نشانه فرد مسلمان ادای این فرایض دینی است. در خصوص تبیین این یافته شاید بتوان به این نکته اشاره کرد که نمونه پژوهش حاضر، دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان بودند و ممکن است به این دلیل که سالهای ابتدایی مکلف شدنشان است، لذا انجام چنین مناسکی برای آنها جالب باشد. به علاوه، در چنین مناسکی تعاملات و ارتباطات اجتماعی وجود دارد که با روحیه دانش‌آموزان دختر مطابقت دارد. از دیگر خصوصیات نوجوانی می‌توان توجه زیاد به ظواهر امور اشاره کرد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش بین بعد اعتقادی دین و اضطراب وجودی در دانش‌آموزان دختر رابطه معنی‌دار مشاهده نشد، هر چند که ضریب همبستگی بین این دو متغیر منفی است. در این بعد از نگرشهای مذهبی، سوالاتی از جمله اعتقاد به وجود شیطان، خدا، فرشتگان، اعتقاد به لزوم اجرای امر به معروف و نهی از منکر برای جلوگیری از فساد، اعتقاد به حقیقت محض بودن قرآن، اعتقاد به اینکه با ظهور حضرت مهدی دنیا پر از عدل و داد می‌شود، پرسیده می‌شود. اگرچه این پرسشنامه برای دانش‌آموزان ساخته شده است، اما به نظر می‌رسد این مسائل اعتقادی جزء مسائل اساسی و مهم دین است که درک آنها به دلیل غیر شهودی بودنشان برای نوجوانان پانزده یا شانزده سال کمی مشکل باشد و این گروه سنی نیاز به مطالعه و ارشاد بیشتری برای درک این مسائل دارند. براین اساس، پژوهش حاضر رابطه منفی معنی‌داری بین بعد اعتقادی و اضطراب وجودی را نشان نداد.

بین بعد پیامدی دین و اضطراب وجودی در دانش‌آموزان دختر رابطه منفی معنی‌داری وجود ندارد، ولی نزدیک به معنی‌داری ($p = 0/06$) است. بعد پیامدی ناظر بر اثرهای باور ها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است. سوالات این بخش به قوانین وضع شده در باره مواردی مانند، خرید و فروش مشروبات الکلی، پرداخت مالیات، شرایط رهبران سیاسی و مبارزه با پدیده بدحجابی می‌پردازد، که به نظر می‌آید مواردی از آنها هنوز فکر نوجوان را به خود مشغول نکرده است و نسبت به این موارد بی‌توجه بوده است، این مساله می‌تواند از دلایل رد این فرضیه باشد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که تنها بعد عاطفی نگرشهای مذهبی ۹ درصد اضطراب وجودی را تبیین می‌کند و ابعاد دیگر نگرش‌های مذهبی در تبیین اضطراب وجودی نقشی ندارند. ممکن است عوامل دیگری وجود داشته باشد که نقش مهمتری در اضطراب

وجودی داشته باشد. بعلاوه، با توجه به این که جامعه مورد بررسی این پژوهش دانش آموزان دختر بود، بنابراین این امکان وجود دارد که این گروه سنی، به اندازه یک فرد بزرگسال دچار اضطراب وجودی نباشد. البته این نکته نیاز به بررسی بیشتری دارد. شاید نگرشهای مذهبی در یک نوجوان، همانند یک فرد بزرگسال درونی نشده باشد و درونی شدن ارزشهای مذهبی به زمان احتیاج دارد.

منابع

- بهرامی، احسان (۱۳۸۱). رابطه بین جهت گیری مذهبی، اضطراب و ابراز وجود. مجله علمی - پژوهش روان‌شناسی، سال ششم شماره ۴، ص ۳۳۶ - ۳۴۷.
- خدایاری فرد، محمد، غباری بناب، باقر و شکوهی یکتا، محسن (۱۳۸۰). گستره پژوهش های روان‌شناختی در حوزه دین. مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، شماره ۴، دوره ۶، ص ۴۵-۵۳.
- خواجه رشیدان، فاطمه (۱۳۷۵). بررسی مشکلات عاطفی و رفتاری دانش آموزان سمنان. اداره آموزش و پرورش استان سمنان، ص ۴۰-۵۰.
- دادجو، زهرا (۱۳۷۶). علل موثر بر پیدایش اضطراب مدرسه و اثربخشی بیسکودرام در درمان آن. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سراج زاده، سید حسین (۱۳۷۷). نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن. فصلنامه اطلاع‌رسانی پژوهشی، نمایه پژوهش، شماره ۹ و ۱۰.
- شاکری نیا، ایرج (۱۳۸۹). رابطه هویت مذهبی، نگرش مذهبی و سرسختی روان‌شناختی با سلامت روان در معتکفان. دوسالنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال چهارم، شماره ۷، ص ۲۰-۷.
- شریفی، طیبه (۱۳۸۲). بررسی رابطه نگرش دینی با سلامت عمومی، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و صبر در دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد واحد اهواز.
- شریفی زاده، زینب (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی و نگرش مذهبی با ادراک آمادگی ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران.
- غباری بناب، باقر، حدادی کوهسار، علی اکبر و سروش، مریم (۱۳۹۰). رابطه دلبستگی به خدا و اضطراب وجودی در دانشجویان. خلاصه مقالات کنگره بین‌المللی روان‌شناسی، دین و فرهنگ، تهران.
- گنجی، حمزه (۱۳۸۸). ارزشیابی شخصیت (ویرایش دوم). تهران: نشر ساوالان.
- محمدپور یزدی، احمدرضا (۱۳۸۵). ویکتور امیل فرانکل بنیانگذار معنادرمانی (فرادیدی به

روان شناسی و روان درمانی وجودی). تهران: انتشارات دانژه.
 مرعشی، سید علی (۱۳۹۰). تاثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روانشناختی، اضطراب وجودی، و هوش معنوی در دانشجویان دانشکده نفت اهواز. رساله دکتری روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
 معینی، زهره (۱۳۸۹). بررسی تاثیر آموزش مولفه های هوش معنوی بر مهارت های مقابله دینی و کاهش اضطراب وجودی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه آزاد مشهد.
 مطهری، مرتضی (۱۳۵۹). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
 نورعلی زاده میانجی، مسعود و جانبزرگی، مسعود (۱۳۸۹). رابطه اضطراب وجودی و اضطراب مرضی و مقایسه آنها در سه گروه بزهکار، عادی و مذهبی. مجله روان شناسی و دین، ۳(۲)، ص ۴۴-۲۹.

- Alport, G. W. (1950). *The individual and his religion*. New York: McMillan.
- Alport, G. W. , & Ross, J. M. (1967). Personal orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5, 432-443.
- Alvarodo , K. A., Templer, D. I., Bresle, G., & Tomas- Dobson, S. (2005). The relationship of religious reliable to death depression and death anxiety. *Journal of Clinical Psychology*, 51(2), 202- 204.
- Berman, S. L. , Weems, C. F., & Stickle, T. R. (2006). Existential anxiety in adolescent: Prevalence, structure, association with psychological symptoms and identity development. *Journal of Youth and Adolescent*, 35(3).
- Careary, R. H. (2011). Spirituality, fear of cancer recurrence and fear of death, Dissertation, Doctor of Philosophy in Psychology. Walden University.
- Clinebell, H. J. (1965). *The Christian massage and mental health*. Retrieved May 12, 2015 From: <http://faculty.plts.edu/gpence/html/mental.htm>.
- Ens, C., & Bond, J. B. (2007). Death anxiety in adolescents: the contributions of bereavement and religiosity. *Omega Journal of Psychology*, 169(3), 169.
- Erikson, E. H. (1963). Youth: Change and challenge. Basic Books.
- Erikson, E. H. (1968). Identity: Youth and Crisis. New York: Norton.
- Frankl, V. E. (1963). From death-camp to existentialism. A psychiatrist's path to a new therapy. Beacon Press, Boston.
- Fromm, E. (1950). *Psychoanalysis and Religion*, ISBN 978-0-300-00089-4.
- Glock, C. Y., & Stark, R. (1965). *Religion and society in tension*. Chicago, Rand McNally and Company.
- Good, L. R., & Good, K. C. (1974). A preliminary measure of existential anxiety. *Psychological Reports*, 34, 72 - 74.
- Harrowood, L. (2009). Measuring spirituality, religiosity, and denial in individuals working in funeral service to predict death anxiety. *Omega Journal of Psychology*, 60(20), 129.
- Henrie, J. A. (2010). Religiousness, future time perspective, and science in psychology. West Virginia University.
- Holzer, K. (2011). Spiritual well – being and anxiety: The relationship underlying constructs. Dissertation, Doctor of Psychology, Alder School of Professional Psychology.

- Houston, C. E. (1986). *Fundamental of learning and memory*. (3rd.) Prentice Hall.
- Jaeger, I. V. L. L. (2006). The relationship between religious orientation and depression. Submitted in fulfillment of requirement for degree of master Art. University of South Africa
- Kesebir, P. (2009). Perceiving the world in sacred terms: Its buffering function against death anxiety. Dissertation, Doctor of Philosophy, University of Illinois at Urbana - Champaign.
- Koenig, H. G., McCullough, M. E., & Larson, D. B. (2001). *Handbook of religion and health*. New York: Oxford University Press.
- Krause, N. (2005). God-mediated control and psychological well-being in later life. *Research on Aging*, 27, 136 - 164.
- Shreve – Neiger, A. K., & Edelstein, B. A. (2004). Religion and anxiety: A critical review of the literature, *The Journal of Social Psychology*, 108, 37- 138.
- Tillich, P. (1952). *The courage to be*, new heaven. Yale University.
- Yong, K. P., & Mao, X. Y. (2007). A study of nurses spiritual intelligence: A cross sectional questionnaire survey. *International Journal Nurse Stud*, 44(6), 999 – 1010.